

دسترسی بانکی و مقایسه وضعیت ایران با کشورهای منطقه منا از طریق شاخص ترکیبی

علی راه‌نشین*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۱۲/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۰۹/۰۵

چکیده

دسترسی بانکی مفهومی است که به بررسی مواردی همچون در دسترس و در اختیار بودن خدمات بانکی برای مردم و بنگاه‌ها از جنبه فیزیکی، مقررات و شرایط، همچنین سهولت دسترسی به این خدمات، تنوع و گستردگی این خدمات و همچنین گستره نظارت نهاد ناظر می‌پردازد. در این مقاله بر اساس شاخص‌ها و اطلاعات جهانی به بررسی وضعیت کشورهای منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا در شاخص‌های مختلف توسعه بانکی پرداخته شده است. در پایان نیز جهت رتبه‌بندی سطح دسترسی بانکی در این کشورها و مقایسه آن‌ها اقدام به محاسبه شاخص ترکیبی دسترسی بانکی شده است. نتایج نشان از وضعیت متوسط و قابل قبول ایران در بین کشورهای این منطقه و همچنین وضعیت متوسط به بالای کشورهای منطقه در سطح جهان می‌باشد.

واژگان کلیدی

دسترسی مالی، دسترسی بانکی، توسعه مالی، منطقه منا، شاخص ترکیبی

طبقه‌بندی JEL: G21, O53, O55

مقدمه

دانش مالی برای توسعه اقتصاد کشورها از اهمیت خاصی برخوردار است. امروزه شواهد کافی برای ارتباط قوی و علی بین عمق سیستم مالی (مثلاً توسط عرضه اعتبار خصوصی، سرمایه‌گذاری بازار سهام یا دیگر معیارهای مالی مرتبط با GDP) از سویی و سرمایه‌گذاری، رشد، فقر، عامل کلی بهره‌وری و نظایر آن، از سویی دیگر وجود دارد.

موضوع مورد اهمیت در خدمات مالی و رای رشد کلی اقتصاد، رفاه مردم است. یعنی دانش و خدمات مالی می‌تواند به درآمد بی‌دغدغه افراد کمک کند، ریسک‌ها را تضمین کند، و فرصت‌های سرمایه‌گذاری را وسعت بخشد. تأمین مالی عمدتاً برای فقرا اهمیت دارد و در واقع شواهد اخیر نشان داده است که سیستم مالی پیشرفته‌تر می‌تواند از فقر و بی‌عدالتی در درآمد بکاهد.

بیشتر این شواهد، بر اهمیت توسعه مالی متمرکز است. با این وجود و به‌ویژه در بسیاری از کشورهای رو به توسعه، نظام مالی در سطح وسیع نیازهای همه مشتریان را برآورده نمی‌کند. نظام‌های بانکی و بازارهای سرمایه‌ای اغلب به سمت کسانی می‌روند که وضع بهتری دارند، اغلب شرکت‌ها و بخش خانواده از عدم دسترسی به خدمات مالی، به تعویق افتادن رشد و رفاه‌شان در رنج هستند. از این رو، دسترسی بیشتر به خدمات مالی می‌بایست هدف بخش عمومی باشد.

دسترسی به خدمات مالی اخیراً توجه بیشتری را به خود معطوف داشته است و بخش با اهمیت‌تری در دستور کار کلی توسعه گشته است. این امر به دلایل مختلف است. یک دلیل، این است که شواهد اهمیت تأثیر مالی در توسعه، برای رشد در دهه اخیر زیاد شده‌اند. دوم آنکه، بر اساس تغییرات در اقتصادها و تولید اقتصادی، امور مالی ممکن است به‌عنوان عامل مانع رشد شناخته شود. سوم آنکه، درک رو به رشدی وجود دارد که حیات خانوارها و شرکت‌ها با خدمات مالی در هم تنیده شده است.

حال با ارائه این تحلیل درباره تأثیر مالی بر اقتصاد جوامع باید پرسید دسترسی مالی به چه معنایی است، داده‌ها چه چیز را نشان می‌دهند، موانع دسترسی چه چیزهایی هستند، دسترسی را چگونه می‌توان بهبود بخشید، بهترین ابزارها جهت رسیدن به سطح

بالا تر دسترسی مالی چیست و آیا نقش باقیمانده‌ای برای دولت به منظور تشویق بیشتر و عادلانه‌تر برای دسترسی وجود دارد (Claessens, S. 2005).

یکی از اهداف بسیار مهم کشور تا سال ۱۴۰۴ (طبق سند چشم‌انداز در افق ۱۴۰۴)، دست یافتن ج.ا.ایران به جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه می‌باشد. بر اساس این سند، ایران در سال ۱۴۰۴ کشوری توسعه یافته در منطقه با متوسط نرخ رشد اقتصادی هشت درصد هدف‌گذاری شده است. جمهوری اسلامی ایران، به لحاظ جغرافیایی در منطقه‌ای قرار گرفته که شامل آسیای میانه، قفقاز، خاورمیانه، خلیج فارس و افغانستان و پاکستان است.

با توجه به مطالب گفته شده این مقاله برآن است، به مقایسه وضعیت دسترسی مالی^۱ و به‌ویژه دسترسی بانکی^۲ در ایران و کشورهای منطقه مطابق با سند چشم‌انداز بپردازد. با توجه به نو بودن تعریف دسترسی مالی و دسترسی بانکی ابتدا در مقاله در جهت تبیین موضوع، تعاریف مختلف دسترسی مالی و شاخص‌های ارائه شده برای آن مورد اشاره قرار می‌گیرد و رابطه آن با توسعه مالی، عمق مالی، خدمات مالی، رشد اقتصادی و فقر بررسی می‌گردد. سپس آخرین شاخص‌ها و اطلاعات موجود بر مبنای تحقیقات گذشته از وضعیت دسترسی مالی و بانکی در منطقه منا و ایران ارائه شده و بر مبنای اطلاعات موجود شاخص دسترسی بانکی برای اولین بار در منطقه منا مورد محاسبه قرار گرفته و وضعیت کشورهای منطقه و جایگاه ایران مورد مقایسه و تحلیل قرار می‌گیرد. نتایج نشان از وضعیت متوسط و قابل قبول ایران در بین کشورهای این منطقه و همچنین وضعیت متوسط به بالای کشورهای منطقه در سطح جهان در دسترسی بانکی می‌باشد.

۱. دسترسی مالی

۱-۱. تعریف دسترسی مالی

دسترسی مالی به امکان دسترسی افراد و بنگاه‌ها به خدمات مالی از جمله خدمات اعتبار، سپرده، پرداخت، بیمه، و دیگر خدمات مدیریت ریسک اشاره دارد (Demirgüç, Kunt et al., 2008). ادبیات دسترسی مالی زیرمجموعه‌ای از ادبیات گسترده‌تر توسعه

مالی است و شاخص‌های دسترسی بانکی نیز خود زیرمجموعه مفهوم دسترسی مالی هستند. با توجه به سیطره نظام بانکی در بسیاری از کشورها در بسیاری از تحقیقات مفهوم دسترسی مالی در شاخص‌های دسترسی بانکی محدود شده‌اند. با این همه، دسترسی مالی مفهومی گسترده‌تر از دسترسی بانکی است و وضعیت بازارهای بیمه و سرمایه را نیز شامل می‌شود.^۳

سطح دسترسی مالی بین کشورها تا حد زیادی، از حدود ۵ درصد از جمعیت بزرگسال در پاپوا گینه نو و تانزانیا تا ۱۰۰ درصد در هلند (بر اساس شاخص داشتن یک حساب بانکی)، متفاوت است (Porteous, 2005). کسانی که به صورت غیرداوطلبانه به این خدمات دسترسی ندارند و یا تنها دسترسی محدودی دارند بدون بانک^۴ نامیده می‌شوند (Demirgüç Kunt et al., 2008). بیش از نیمی از مردم جهان (۲/۵ میلیارد بزرگسال) که بیشتر در آفریقا، آسیا و امریکای لاتین ساکن هستند فاقد دسترسی مالی و بدون بانک هستند (Chaia et al., 2010).

از آنجا که عوامل تعیین‌کننده سطح دسترسی یک فرد و یا بنگاه، ممکن است در طول زمان تغییر کند، احساس می‌شود افراد دارای دسترسی به این خدمات و افراد فاقد دسترسی به این خدمات را بایستی به بخش‌های بازار که منعکس‌کننده وضعیت فعلی و آینده احتمالی آن‌ها به‌عنوان کاربران و غیر کاربران است گروه‌بندی کرد. یک چنین رویکردی به تقسیم‌بندی بازار رویکرد مرز دسترسی^۵ است که می‌تواند برای تجزیه و تحلیل توسعه بازار در طول زمان مورد استفاده قرار گیرد. مرز دسترسی حداکثر نسبتی از جمعیت را تعریف می‌کند که در یک زمان مشخص، دسترسی به یک محصول یا خدمت را در سطحی خاص دارند؛ که این مرز در طول زمان به‌عنوان مثال در نتیجه تغییرات فن‌آوری و رقابتی در بازار تغییر می‌کند. رویکرد مرز دسترسی کاربران و غیر کاربران از یک محصول یا خدمات را تفکیک می‌کند و غیر کاربران را به چهار گروه تقسیم می‌کند:

- کسانی که قادر به استفاده از محصول و یا خدمات هستند اما استفاده‌ای نمی‌برند (غیرکاربران داوطلبانه)؛

- کسانی که در حال حاضر می‌توانند دسترسی به محصولات یا خدمات داشته باشند، اما هنوز آن را بکار نمی‌برند (غیر کاربران، در داخل مرز دسترسی حال حاضر قرار می‌گیرند)؛

- کسانی که باید قادر به استفاده از محصول و یا خدمات در عرض سه تا پنج سال آینده باشند، بر اساس تغییر در ویژگی‌های محصول، خدمات و یا بازار (غیر کاربران، در داخل مرز دسترسی آینده قرار می‌گیرند)؛

- کسانی که فراتر از دسترسی از طریق توسعه بازار در سه تا پنج سال آینده هستند (گروه فرای بازار، خارج از مرز دسترسی در آینده قرار می‌گیرند)، (Porteous, 2005).

جدول زیر یک مرور کلی از گروه‌بندی از مصرف‌کنندگان را به کاربران و غیرکاربران و تقسیم‌بندی غیر کاربران به سه منطقه ارائه می‌نماید که سیاست‌های دولت را قادر می‌سازد تا مداخلات بهتری مطابق با الزامات مورد نیاز توسعه بازار داشته باشد.

جدول (۱). تقسیم‌بندی کاربران و غیر کاربران خدمات مالی و مناطق سیاستی بازار
(Porteous, 2005)

گروه کاربری	بخش بازار	منطقه سیاست بازار
کاربران	کاربران حاضر (بازار حاضر)	-
غیرکاربران	غیر کاربران داوطلبانه	-
	غیر کاربران، در داخل مرز دسترسی حال حاضر قرار می‌گیرند	منطقه توانمندسازی بازار
	غیرکاربران، در داخل مرز دسترسی آینده قرار می‌گیرند	منطقه توسعه بازار
	گروه فرای بازار، خارج از مرز دسترسی در آینده قرار می‌گیرند	منطقه بازتوزیع بازار

محاسبه و اندازه‌گیری دسترسی مالی نسبتاً دشوار است؛ زیرا اطلاعات مربوط به آن به آسانی در دسترس نیست. فقدان داده‌های سازگار در بین کشورها در استفاده از خدمات مالی منجر به استفاده از تعداد حساب‌های سپرده و وام به‌عنوان شاخص‌های ساده اندازه‌گیری دسترسی مالی شده است. اگرچه این اندازه‌گیری ناقصی از دسترسی مالی است (Demirgüç Kunt et al., 2008).

برای تحلیل مسایل دسترسی، لازم است که بدانیم معنای دسترسی به منابع مالی چیست. ابعاد بسیار زیادی جهت دسترسی به خدمات مالی وجود دارد. در مورد دسترسی این سؤالات مطرح است: نخست آنکه آیا خدمات مالی وجود دارند؟ سؤال دوم در مورد هزینه است: خدمات مالی به چه قیمتی در دسترس هستند؟ (شامل تمام هزینه‌ها، حتی هزینه فرصت‌های در صف انتظار بودن برای تحویلدار و یا طی مسافت طولانی برای رسیدن به یک شعبه بانکی) سوم آنکه، میزان، نوع و کیفیت خدمات مالی مورد نیاز چیست؟ (یعنی دسترسی مالی در مواقع مورد نیاز به‌طور مطلوب و آسان؛ یعنی دسترسی سهل و آسان، و دارای تداوم) به این معنا که بتوان منابع مالی را به‌طور تکرارپذیر و با انعطاف پذیری در اختیار داشت. این ابعاد را متفاوت از قابل اعتماد بودن تعریف می‌کنیم. ابعاد مختلف دیگری از استفاده از منابع مالی در مطالعات دیگر وجود دارد. ابعاد مختلف دیگری برای دسترسی وجود دارد، که سطح‌بندی دسترسی را مشکل‌تر می‌کند.

این مطلب نشان می‌دهد که تعریف ساده‌ای از دسترسی وجود ندارد. بایستی هدف روشنی از سطح مطلوب دسترسی وجود داشته باشد. ما هنوز به قدر کافی نمی‌دانیم در سطح خرد منافع و اثرات دسترسی به منابع مالی چه هستند و اینکه آیا علائق عمومی مناسبی وجود دارند که به نفع توسعه بیشتر دسترسی باشند. دوم آنکه، مانند بقیه خدمات و کالاها، ممکن است تقاضا برای خدمات مالی وجود نداشته باشد. بسیاری از خانوارها حتی در کشورهای در حال توسعه یک حساب بانکی ندارند؛ به‌دلیل آنکه به قدر کافی معاملات مالی ندارند؛ مثلاً هرگز از چک استفاده نمی‌کنند، پول نقدی جمع نمی‌کنند یا چک‌های خود را نقد نمی‌کنند، و در واقع هیچ نوع دسترسی فرض نمی‌شود. از سوی دیگر با همین اهمیت و حتی در بهترین نظام‌های بانکی ارائه‌کنندگان

خدمات بانکی ممکن است نخواهند به همه مشتری‌ها دسترسی به منابع مالی فراهم کنند؛ شاید سود آور و پایدار نباشد. علاوه بر آن، شواهد بسیاری وجود دارد که برخی خانوارها ممکن است مشکلات مدیریتی در خصوص دسترسی به اعتبار داشته باشند (مثلاً کارت‌های اعتباری) یا بعضی مقاومت‌های فرهنگی، مذهبی اعمال می‌شود. همچنین سواد مالی^۶ و آشنایی با خدمات و محصولات مالی باعث استفاده بیشتر از آن‌ها و در نتیجه منجر به رشد رفاه عمومی می‌گردد (Claessens, 2005).

۲-۱. دسترسی مالی در برابر عمق مالی

کارکرد مؤسسات و بازارهای مالی این است که بر اثرات اطلاعات نامتقارن و هزینه‌های معاملات که از تجمیع و سرمایه‌گذاری مستقیم پس‌اندازهای جامعه جلوگیری می‌کنند، غلبه کنند؛ پس‌اندازها را تجهیز کرده و خدمات پرداخت را فراهم کنند تا معاملات کالاها و خدمات را سهل سازند. علاوه بر آن، در مورد سرمایه‌گذاران و پروژه‌های سرمایه‌گذاری تولید و پردازش اطلاعات می‌کنند که به‌منزله راهنمایی تخصیص وجوه، نظارت و مدیریت سرمایه‌ها، و کمک به متنوع‌سازی، نقل و انتقال و مدیریت ریسک است. این مؤسسات هنگامی که به درستی کار کنند، فرصت‌هایی برای تمامی مشارکت‌کنندگان بازار به‌منظور بهره‌مندی از بهترین سرمایه‌ها از طریق هدایت وجوه برای بیشترین استفاده‌های تولیدی فراهم می‌سازند، از این رو، این امر منجر به افزایش رشد، بهبود توزیع درآمد و کاهش فقر می‌گردد. هنگامی که خوب عمل نمی‌کنند فرصت‌های رشد از دست می‌رود، بی‌عدالتی تداوم یافته، و در بیشتر موارد، موجب پیدایش بحران‌های پرهزینه می‌گردد.

تا این اواخر پژوهش‌های اقتصادسنجی در خصوص عملکرد سیستم‌های مالی رسمی سراسر جهان عمدتاً تأکید بر عمق مالی^۷، کارایی و ثبات داشتند. اما رگرسیون کشوری نشان داده است که عمق مالی نه تنها طرفدار رشد بلکه حامی فقر هم نیست. اقتصادهایی که از سیستم‌های مالی پیشرفته‌تر استفاده می‌کنند سریع‌تر افت درآمد نابرابر را تجربه می‌کنند و سریع‌تر به سطح فقر نزول می‌یابند. توجه کمتری نسبت به جامعیت و دسترسی مالی تا حدی که خانوارها و مؤسسات بتوانند مستقیماً به خدمات مالی

رسمی دسترسی داشته باشند معطوف شده است. حتی سیستم‌های مالی عمیق ممکن است دسترسی محدودی ارائه دهند. هنوز وظایف مهم یک سیستم مالی دارای عملکرد خوب؛ ارائه خدمات پس‌انداز، پرداخت و مدیریت ریسک تا حد امکان برای طیف وسیعی از مشارکت‌کنندگان و جستجو و تأمین مالی هر نوع و تمامی فرصت‌های رشد ارزشمند می‌باشد. بدون سیستم‌های جامع، افراد فقیر و شرکت‌های کوچک لازم است تا بر دارایی شخصی یا منابع داخلی تکیه کنند تا بتوانند در زمینه تحصیلات سرمایه‌گذاری کنند، کارآفرین شوند، یا از مزایای فرصت‌های رشد وعده داده‌شده بهره‌مند گردند. بنابراین، به نظر می‌رسد که سیستم مالی جامع ممکن است نه تنها توأم با نابرابری اقتصادی و اجتماعی کمتر باشد، بلکه به‌طور کلی با اقتصاد پویا همراه است. توسعه مالی و بهبود دسترسی مالی نه تنها رشد اقتصادی را تسریع می‌کند، بلکه فقر و نابرابری درآمدی را می‌کاهد.

نواقص بازار مالی - عدم تقارن اطلاعات و هزینه‌های معاملات - به‌ویژه بر فقرای با استعداد و شرکت‌های خرد و کوچک تحمیل می‌شوند. بدون سیستم‌های مالی جامع این اقشار به‌واسطه نداشتن وثیقه، سوابق اعتباری، و ارتباطات، و اینکه صرفاً پس‌اندازها و اندوخته‌های خود را دارند، محدود می‌شوند. نواقص بازار مالی که دسترسی به خدمات مالی را محدود می‌سازد، نقش مهمی در دائمی ساختن نابرابری ایفا می‌کند، به‌طوری که اصلاحات بخش مالی که دسترسی وسیع‌تر به خدمات مالی را ترغیب می‌کند، باید در هسته دستور کار توسعه قرار گیرد.

بعد در دسترس یا دور از دسترس بودن توسعه مالی اغلب نادیده گرفته شده است، دلیل عمده آن خلأهای اطلاعاتی جدی در مورد مردمی است که از این خدمات مالی استفاده می‌کنند. نوع و کیفیت خدماتی که آن‌ها دریافت می‌کنند، و قیمتی که بابت آن می‌پردازند، و همچنین نبود اطلاعات سیستماتیک در مورد موانع و دامنه دسترسی. اما از آنجاکه مفهوم دسترسی مالی در مقابل تعریفی ساده و قابل سنجش مقاومت می‌کند، لازم است همه این ابعاد همراه با دلایل همه موانع - قیمت و هزینه و غیر آن - مورد بررسی قرار گیرند (Beck et al., 2009).

۳-۱. تأثیر دسترسی مالی بر کاهش فقر

دسترسی مالی همچنین به بهبود توزیع درآمد و کاهش فقر از طریق کانال‌های مختلف کمک می‌کند. دسترسی مالی بیشتر از طریق رشد اقتصادی باعث افزایش سطح درآمد و در نتیجه کاهش فقر می‌شود. خدمات مالی می‌تواند با توزیع عادلانه‌تر فرصت‌ها به‌طور خاص کمک کند. شواهدی وجود دارد که خدمات مالی برای خانوارهای فقیر و شرکت‌های کوچک‌تر دارای اهمیت ویژه است. مطالعات کلی در خصوص ارتباط بین مالی و فقر شامل بک، دمیر گوک، کانت و لوین با نظارت بر علیت معکوس، دریافتند که توسعه مالی موجب نابرابری درآمدی کمتر می‌شود. کلارک و زو پی بردند به میزانی که خدمات مالی توسعه می‌یابد بی‌عدالتی کم می‌شود، و از آنجایی که درآمد متمرکزتر، باعث فقر بیشتر می‌شود، در نتیجه توسعه مالی به کاهش فقر کمک می‌کند.

مادامی که تولید اقتصادی در حال تغییر است و کشورها اقتصاد واقعی خود را آزاد می‌سازند، آشکارتر می‌گردد که میزان توسعه مالی به‌طور با اهمیتی بر توانایی کشورها، مؤسسات و افراد تأثیر می‌گذارد تا از فرصت‌های رشد جدید استفاده برند. توسعه خدمات مالی برای فرصت‌های رشد شرکت‌ها خاصه SMEها مؤثر است. خدمات مالی با برطرف کردن موانع در شرکت‌های کوچک رشد را تسریع می‌کند. خدمات مالی اجازه می‌دهد شرکت‌ها در مقیاس وسیع عمل کنند و تخصیص دارایی کارآمدتر را تشویق می‌کند. بنابراین توسعه مالی و توسعه نهادی به سطح‌بندی شرکت‌ها و مؤسسات کمک می‌کند. به‌ویژه در اقتصاد جهانی با فرصت‌های رشد به سرعت در حال تغییر کمک می‌کند.

در حالی که توسعه مالی به‌طور کلی برای رشد و فقر سودمند است، بدین معنا نیست که خدمات مالی به شکل برابر در دسترس همگان قرار دارد. خدمات مالی می‌تواند به سمت تخصیص صحیح منابع سوق داده شود و یا برعکس، باعث تخصیص نامناسب گردد (Kendall, 2010).

جنبش در حال گسترش مالی خرد^۸ با انگیزه ایجاد توازن در توزیع و تخصیص منابع مالی بوجود آمده و از طریق گسترش دسترسی مالی در بین عموم طبقات مردم به دنبال کاهش محرومیت مالی^۹ می‌باشد (Beck et al., 2009).

۴-۱. تفاوت دسترسی مالی با استفاده از خدمات مالی

وجه تمایز قایل شدن بین استفاده از خدمات مالی، که می‌توانیم داده‌های آن را جمع‌آوری کنیم، و مفهوم وسیع‌تر دسترسی مالی از اهمیت خاصی برخوردار است. یک تعریف مستند رایج از دسترسی مالی عبارت است از تعریف کلاسنس (۲۰۰۵) که جمعیت را به سه قسمت تقسیم می‌کند، آن‌هایی که دسترسی دارند و از آن استفاده می‌کنند (گروه الف)، آن‌هایی که دسترسی دارند اما از آن استفاده نمی‌کنند (گروه ب)، که به دلخواه مستثنی می‌شوند، و آن‌هایی که دسترسی ندارند (گروه ج، که ناخواسته مستثنی می‌شوند)، در حالی که دسترسی مساوی با گروه الف + ب تعریف شده است. وی ادعا می‌کند درحالی‌که داده‌های مربوط به استفاده از معیارهای خدمات مالی الف و ب اغلب برای ارزیابی غیر ممکن است، که طبق تعریف دشواری در یافتن معیارهای حقیقی دسترسی مالی را متمایز می‌کند. درحالی‌که در مفهوم، ناتوانی در اندازه‌گیری افرادی که به دلخواه مستثنی شده‌اند معیاری اصلی محسوب می‌شود (Kendall et al., 2010).

تمایز قایل شدن بین دسترسی و استفاده از خدمات مالی اهمیت خاصی دارد. به‌طور جدی هیچ‌یک از کاربران خدمات مالی را نمی‌توان بین آن‌هایی که غیرداوطلبانه جدا شده‌اند و آن‌هایی که خودشان داوطلبانه جدا شده‌اند، تفکیک کرد. کسی که داوطلبانه جدا شده می‌تواند بی‌نیاز از خدمات مالی تلقی شود، یا دلایل مذهبی و فرهنگی وجود داشته باشد، یا دسترسی غیرمستقیم به خدمات از طریق دوستان و خانواده ایجاد شده باشد. در تمام این موارد، کسی که داوطلبانه استفاده نمی‌کند به دلیل عدم تقاضا جدا می‌شود. بنابراین، تمایز قایل شدن بین دسترسی و استفاده از خدمات مالی مشکلاتی را بر سیاست‌گذاران اعمال نمی‌کند. با این وجود در مورد افراد غیرداوطلب که جدا شده‌اند، موضوع مهم شناسایی بین چهار گروه است تا بتوان توصیه سیاستی صحیح تنظیم کرد. ابتدا، گروهی از خانوارها و شرکت‌ها وجود دارند که صاحب حساب شناخته نمی‌شوند؛ زیرا درآمد آن‌ها بسیار پایین است یا اینکه برای وام دادن پریسک به حساب می‌آیند. به جای تلاش برای وارد کردن آن‌ها در سیستم مالی، سازوکارهای حمایتی بدون وام‌دهی شاید مناسب‌تر باشد. سه گروه دیگر که

غیرداوطلبانه از سیستم مالی جدا شده‌اند، نیاز است بر موارد زیر چیره گشت: الف- سیاست‌های تبعیض‌آمیز، ب- نقایص و کمبودهای مربوط به چارچوب قراردادی و اطلاعاتی، ج- مشخصات قیمت و محصول. هر کدام از این مشکلات می‌تواند قسمت اعظمی از مردم، به‌ویژه در کشورهای روبه‌توسعه جهان، و تمامی آن‌هایی را که نیاز به اقدامات سیاستی خاص دارند، جدا سازد.

کمپسون و همکاران (۲۰۰۰) پنج نوع محرومیت از انواع خدمات بانکی را شناسایی کردند:

۱) محرومیت از دسترسی: به دلیل ریسک آن؛ ۲) محرومیت به دلیل شرایط: طراحی نامناسب به دلیل نیاز برخی از مردم؛ ۳) محرومیت قیمت: محصولات مالی بسیار پرهزینه؛ ۴) محرومیت بازاریابی: برخی از مردم به شکل مؤثری به دلیل هدف بازار و فروش محروم شده‌اند؛ ۵) خود محرومیت: بعضی افراد اعتقاد ندارند که خودشان امتناع می‌ورزند (Claessens, 2005).

۱-۵. شاخص‌های دسترسی مالی

جدای از این گروه‌ها، سه رهیافت اصلی دیگر به منظور ارزیابی دسترس‌پذیری و به کارگیری، نتایج نویدبخشی را تولید کرده‌اند. رهیافت نخست در پی شمارش تعداد کاربران خدمات مالی پایه است، دومین رهیافت بر ارزیابی عینی مؤسسات به‌عنوان کیفیت خدمات مالی که آن‌ها دریافت می‌کنند تکیه دارد، و رهیافت سوم موانع فیزیکی و هزینه مربوط به دسترسی را بررسی می‌کند. هر رهیافت کمبودهای مربوط به خود را داراست، از جمله: در مورد رهیافت اول، کیفیت و قیمت خدماتی که صاحبان حساب مؤسسات مالی رسمی و نیمه‌رسمی مختلف دریافت می‌کنند، ممکن است اساساً بسیار متفاوت باشد؛ در مورد رهیافت دوم، توانا بودن یا قابلیت تفسیر داشتن ارزیابی‌های ذهنی از کیفیت خدمات ممکن است جای تردید داشته باشد؛ و در مورد رهیافت سوم داده‌های مربوط به بعضی موانع (مانند فاصله تا یک شعبه بانک، یا اسناد مورد نیاز جهت گشایش یک حساب) را شاید بتوان به روشی آسان‌تر نسبت به داده‌های سایر

موانع مهم‌تر جمع‌آوری و کامل‌کردن با وجود قابل استفاده بودن این روش‌ها محدودیت‌های وجود داده نیز در تحقیقات در این زمینه قابل توجه‌اند.

دسترسی مالی ابعاد بسیار زیادی دارد، اما برای ساده‌سازی موضوع، با فرض بر مختصر کردن داده‌ها، تمرکز بر یکی از شاخص‌های خلاصه ارجحیت دارد. یکی از شاخص‌هایی که مورد اتفاق نظر همگان می‌باشد، عبارت است از درصد بزرگسالانی که یک نوع حساب (شامل انواع معاملات حساب‌های پس‌انداز، یا وام) در بانک یا دیگر واسطه‌های مالی رسمی دارند (بانک جهانی، ۲۰۰۵؛ Honohan, 2007).

داده‌های ما در سطح کشور و دنیا در مورد میزان استفاده و دسترسی به خدمات مالی محدود است. درحالی‌که داده‌های فراوانی در مورد توسعه بخش مالی وجود دارد، داده‌های بسیار محدودی در مورد استفاده و دسترسی خانوارها و شرکت‌ها وجود دارد. حتی عموماً داده‌های مربوط به تعداد افرادی که دارای حساب بانکی هستند از منابع نظارتی و یا صنعت بانکداری کشورها نیز قابل استخراج نیستند (Beck et al., 2009).

در نتیجه تحلیل‌های بسیار اندکی در مورد ابعاد ناکارآمدی دسترسی مالی وجود دارد. ممکن است از لحاظ جغرافیایی دسترسی به شعبه‌ها و خروجی‌ها ناکارآمد باشد. یا ممکن است دسترسی اجتماعی - اقتصادی ناکارآمد باشد؛ یعنی دسترسی فقط برای برخی اقشار جامعه فراهم باشد. برای بعضی خانوارها، اطلاعات مربوط به استفاده خانوار از خدمات مالی پایه، نظیر برخورداری از حساب بانکی، اغلب حاصل از داده‌های بانک‌های تجاری و بانک مرکزی وجود دارد. به‌تازگی، اطلاعات بر اساس گسترش منابع مالی خرد به دنبال تلاش‌های CGAP و اعتباردهندگان خرد جمع‌آوری شده‌اند. این اطلاعات تعداد افراد برخوردار از پس‌انداز بانکی را پوشش می‌دهد. در برخی از کشورها، اطلاعات مربوط به بررسی خانوار وجود دارد. به‌استثنای برخی کشورهای توسعه‌یافته مانند سوئد، اغلب اطلاعات جمع‌آوری شده در پژوهش‌های کلی خانوار بسیار ابتدایی هستند و محدود به ابعاد قیمت، هزینه‌ها و کیفیت در دسترسی هستند. گاه این ابتدایی بودن تعیین سیاست‌ها را مشکل می‌سازد. نداشتن وام توسط خانوارها ممکن است به معنای عدم امکان اخذ تسهیلات توسط آنها باشد و یا به دلیل

ثروت و عدم نیاز آن‌ها به وام بوده باشد. از این رو، در بررسی سطح دسترسی مالی بایستی به تحصیلات، شغل، آموزش رسمی و نظایر آن نیز توجه کرد.

علاوه بر سطح خانوارها در مورد بنگاه‌ها نیز این کمبود اطلاعات در بسیاری از کشورها به چشم می‌آید. در حالی که اطلاعات فراوانی در مورد فهرست ساختار مالی شرکت‌ها و دسترسی آن‌ها به منابع خارجی وجود دارد، اطلاعات کمتری در مورد شرکت‌های فهرست‌نشده و به‌ویژه اطلاعات محدودی در مورد دسترسی مالی شرکت‌های کوچک وجود دارد. اغلب اطلاعات موجود حاصل از پژوهش‌ها، نظیر آنچه که توسط بانک جهانی و یا توسط آژانس‌های بین‌المللی نظیر فدرال رزرو، بانک انگلستان، اتحادیه اروپا و غیره تهیه شده می‌باشد. برخی اطلاعات مربوط به بانک جهانی از آمارهای بانک‌های مرکزی و زیرمجموعه‌های آن‌ها به دست می‌آید (مثلاً اتاق‌های بازرگانی و مشابه آن‌ها). همچنین داده‌ها عموماً خام بوده و اغلب همه ابعاد مختلف دسترسی مالی را در بر نمی‌گیرد. مثلاً تأکید بر شاخص‌های دسترسی به اعتبار همراه یا دسترسی به خدمات پس‌انداز می‌گردد، هرچند که خدمات پرداخت به همان اندازه برای شرکت‌ها اهمیت دارد. عموماً داده‌ها برحسب دسترسی به خدمات بانکی جمع‌آوری می‌شوند و داده‌ها کمتر در سایر خدمات مالی مانند بیمه، لیزینگ و عوامل مشابه آن در دسترس هستند (Claessens, 2005).

کماکان داده‌های موجود به ما کمک می‌کنند تا درکی از دسترسی مالی داشته باشیم، و سیاست‌هایی را که می‌توانند در رفع موانع و گسترش دسترسی مفید باشند به ما ارائه می‌دهند.

تلاش انجام‌شده به‌منظور جمع‌آوری داده‌های دسترسی مالی به دو پروژه عمده برمی‌گردد که بانک جهانی آن را اجرا کرده است. نخستین شاخص‌های مشابه دسترسی مالی در ۲۰۰۳ برای ۹۹ کشور جمع‌آوری گردید. در بررسی اولیه، داده‌ها بر حسب تعداد وام‌ها، سپرده‌های پس‌انداز، شعب بانک، و خودپردازهای دارای سپرده پولی بانک‌ها (مطابق با تعریف صندوق بین‌المللی پول) جمع‌آوری گردید. این شاخص‌ها برای مجموعه ۵۴ کشور منتخب در سال ۲۰۰۷ براساس گزارش «بانکداری برای فقرا» (بانک جهانی) ۲۰۰۸ بروزرسانی شدند و با یک سری سؤالات تحقیقی در مورد

ویژگی‌های تنظیمی مختلف و ابتکارات سیاسی موجود در کشور و همچنین بررسی پنج مورد از بزرگ‌ترین بانک‌های کشور بر حسب دارایی کل که داده‌های مربوط به پرداخت‌های بانکی و رویه‌های مشتریان برای دسترسی به وام‌ها یا سپرده‌های بانکی جمع‌آوری شده بودند، تکمیل گردیدند (Kendall et al., 2010).

بانک جهانی در گزارش سالانه خود که توسط گروه مشاوره برای کمک به فقرا (CGAP)^{۱۰} تهیه می‌شود به ارائه جامعی از وضعیت دسترسی مالی در سطح جهان دست می‌زند. از دیگر تحقیقات بین‌المللی در زمینه دسترسی مالی می‌توان به گزارش‌های مجمع جهانی اقتصاد^{۱۱}، گزارش توسعه مالی و گزارش رقابت جهانی اشاره کرد که هر یک به تناسب موضوع خود به تعدادی از شاخص‌های توسعه مالی اشاره می‌نمایند.

منطقه منا و ارتباط آن با ایران و سند چشم‌انداز

منطقه منا^{۱۲} شامل منطقه خاورمیانه و آفریقای شمالی است. امروزه در ادبیات علمی و گزارشات جهانی، ایران جزء این منطقه به شمار می‌آید و در دسته‌بندی مناطق جهان در این بخش قرار داده می‌شود. در بین کشورهای مدنظر چشم‌انداز (منطقه آسیای جنوب غربی: شامل آسیای میانه، قفقاز، خاورمیانه و کشورهای همسایه) کشورهای این منطقه از لحاظ اقتصادی دارای اهمیت خاص می‌باشند. مقایسه ایران با کشورهای منطقه منا می‌تواند تصویر مناسبی از وضعیت پیشرفت کشور بر اساس سند چشم‌انداز ارائه نماید که همگون با مطالعات جهانی نیز باشد.



شکل (۱). منطقه منا (منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا)

وضعیت دسترسی مالی در کشورهای منطقه منا

در گزارش سال ۲۰۱۰ بانک جهانی وضعیت دسترسی مالی در منطقه منا (خاورمیانه و آفریقای شمالی) به شرح ذیل برشمرده شده است:

نفوذ حساب‌های سپرده

در خاورمیانه و آفریقای شمالی در هر ۱۰۰۰ بزرگسال ۸۱۸ حساب بانکی در مقایسه با ۶۳۵ حساب بانکی در هر ۱۰۰۰ بزرگسال در کشورهای روبه توسعه وجود دارد. تفاوت بارزی در منطقه برحسب نفوذ حساب‌های سپرده از ۱۰۴ حساب بانکی در هر ۱۰۰۰ بزرگسال در یمن نسبت به ۱۷۵۱ حساب بانکی در هر ۱۰۰۰ نفر بزرگسال در امارات متحده عرب وجود دارد. حجم میانگین سپرده در برابر سرمایه در منا بسیار بیشتر (۲۶۰ درصد) از کشورهای در حال توسعه و کشورهای با درآمد بالاست.

منا نرخ رشد کمتر از میانه برحسب تعداد حساب‌ها در ۱۰۰۰ بزرگسال در مقایسه با کشورهای روبه توسعه و هم کشورهای پردرآمد دارد. مراکش نرخ رشد مثبت بالایی معادل ۸ درصد دارد. در کشورهای گزارش شده منا اغلب سپرده‌ها در بانک‌های تجاری نگهداری می‌شوند. باین‌همه، تونس سهم چشمگیری در حساب‌های سپرده در

مؤسسات مالی خرد، دارد و مراکش تنها کشوری بود که گزارش شده دارای حساب‌های سپرده است که در تعاونی‌ها و اتحادیه‌های اعتباری نگهداری می‌شود (بانک جهانی، ۲۰۱۰).

شمول مالی - نقش ناظر اصلی مالی

حمایت از مشتری، سواد مالی، ارتقای امور مالی خرد، و ارتقای مالی شرکت‌های کوچک و متوسط (SME) چهار بخش دستور کار شمول مالی هستند که اغلب تحت مسئولیت ناظر مالی در منا هستند. ناظران مالی در ۵۶ درصد کشورهای منا به استناد گزارش دسترسی مالی ۲۰۱۰ در چهار بخش فوق با درصد بالاتر در بخش ارتقای مالی SMEها و درصد بالاتر از کشورهای در حال توسعه در هر چهار منطقه پاسخ‌گو و مسئول هستند.

اغلب ناظران کشورهای منا فقط مسئول دو بخش هستند، و اردن تنها مسئول حمایت از مصرف‌کننده است. همچنین فقط سه ناظر منا مسئول بهبود پس‌اندازها بوده‌اند. طبق گزارش ناظران سوریه و عمان به ترتیب مسئول پنج و شش عنوان حساب مالی بوده‌اند.

در جایی که نهاد ناظر، سند راهبردی برای شمول مالی دارد، بیشتر موارد گرایش دارند تحت نظر ناظر باشند و منابع بیشتری صرف اجرای احکام آن سند شده‌اند. میانگین تعداد اصلاحات در منا در ۲۰۰۹-۲۰۰۸ به میزان ۴/۲ از حداکثر ۱۰ بود، که بیشتر از کشورهای پردرآمد (OECD - سازمان اقتصادی همکاری و توسعه) و اروپا و آسیای مرکزی است (بانک جهانی، ۲۰۱۰).

جدول ۲. سطوح نظارت و شمول مالی در کشورهای منطقه منا
(بانک جهانی، ۲۰۱۰)

کشور	حمایت از مصرف‌کننده	قابلیت مالی	نظارت بر تأمین مالی خرد	ارتقای پس‌اندازها	ارتقای دسترسی SMEها به تأمین مالی	ارتقای دسترسی مالی در مناطق محلی	سند راهبردی برای شمول مالی
الجزایر	√+		√+				
ایران			√+		√+	√+	√
اسرائیل	√+	√+					
اردن	√+						
کویت			√		√		
مراکش	√+	√+			√	√	√
عمان	√	√	√	√	√	√	
سوریه		√+	√+	√+	√+	√+	√
تونس		√+		√+			√

√ = نهاد ناظر مسئول است

√+ = نهاد ناظر مسئول است و تیم یا واحدی اختصاصی برای این امر دارد

دسترسی به اعتبار

در منا به ازای هر ۱۰۰۰ بزرگسال ۲۰۱ وام بانکی وجود دارد و این در مقایسه با ۲۴۵ وام بانکی در ۱۰۰۰ بزرگسال در کشورهای در حال توسعه است. تنوع بسیار زیادی بین کشورهای منطقه بر حسب جذب وام بانکی از ۹۲۶ وام بانکی در هزار بزرگسال در اسرائیل نسبت به فقط ۸ وام بانکی در ۱۰۰۰ نفر در یمن است.

هدف مؤسسات غیربانکی (NBFIs) بخش‌های کم‌درآمد می‌باشد، اما داده‌های محدود اجازه دستیابی همه‌جانبه به نقش NBFIsها نمی‌دهد. تغییر در تعداد میانگین حساب‌ها در منا ۱۲ درصد بود، که این بیشتر از رشد متوسط در کشورهای پر درآمد است. تعداد وام‌ها در ۱۰۰۰ نفر اغلب در لبنان به ۱۳ درصد افزایش داشته، اما در فلسطین اشغالی تا ۲ درصد کاهش داشته است. حجم وام‌ها به‌عنوان درصدی از GDP تا ۱۸ درصد در متوسط منطقه منا کاهش داشته است که مشابه متوسط همه کشورهای در حال توسعه است. حجم وام‌ها در همه کشورهای منا کاهش یافته، به جز تونس که تا ۴ درصد افزایش داشته است. کلیه حساب‌های وام در کشورهای منا در بانک‌های تجاری گذاشته می‌شوند، به جز تونس که سهم کوچکی از حساب‌های وام در MFIها گذاشته می‌شود. نسبت حجم وام‌ها برای افراد حقیقی به کل حجم وام‌ها در بانک‌های تجاری در منطقه منا (۲۶ درصد) کمتر از متوسط هم برای کشورهای در حال توسعه و هم کشورهای پردرآمد است (بانک جهانی، ۲۰۱۰).

مقررات حمایت از مصرف‌کننده

بحران‌های مالی اخیر اهمیت حمایت مؤثر از مصرف‌کننده و سطح کافی سواد مالی برای پایداری کل سیستم مالی را برجسته ساخته است.

ملزومات حمایت از مصرف‌کننده مورد توجه اغلب کشورهای مناست. ۸۳ درصد کشورهای منقوانین و مقرراتی دارند که حداقل برخی جنبه‌های مالی حمایت از مصرف‌کننده را مورد توجه قرار می‌دهد. ۷۵ درصد قانون رفتار منصفانه دارند که اقدامات فروش غیر منصفانه را محدود می‌سازد.

بر اساس تحقیقات دسترسی مالی ۲۰۱۰ کشورهای منطقه منا نیازمند بیشترین الزامات افشای دوره‌ای همچون منطقه آمریکای لاتین و کارائیب در بین مناطق می‌باشند.

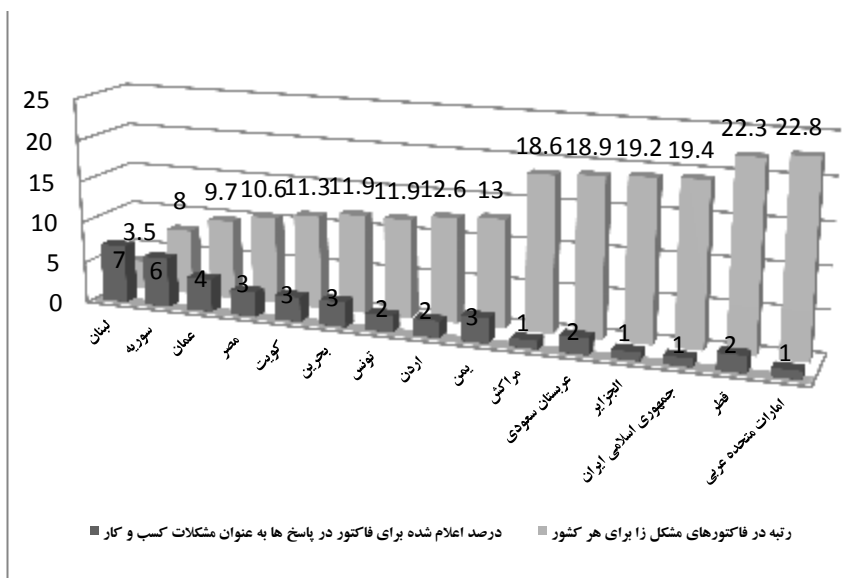
سازوکارهای اجرایی ضعیف‌تر از ملزومات قانونی هستند. ۹ کشور منا برای اجرای رویه‌های اجرایی نیاز به نهادهای مالی دارند تا شکایات مشتریان را حل و فصل کند و فقط در شش کشور منا حداقل یک سازوکار رفع اختلاف وجود دارد. بازرسی در محل تنها سازوکار نظارت در شکایات است که در بیش از نیمی از کشورهای منا، وجود دارد و هشدارهایی را به نهادهای مالی می‌دهند و جریمه‌های تحمیلی تنها اقدامات اجرایی هستند که به‌واسطه مقررات در بیش از نیمی از کشورهای منا اعمال می‌شود.

ساختارهای نهادی ضعیف‌ترین ساختارها محسوب می‌شوند. دوسوم نهادهای ناظر مالی منا که گفته می‌شود مسئول برخی جنبه‌های حمایت مالی از مصرف‌کننده هستند، دارای یک واحد اختصاصی برای کار روی این مسایل هستند (بانک جهانی، ۲۰۱۰).

دسترسی مالی مشکل رقابت در منا

در بخشی از گزارش رقابت جهانی که هر ساله توسط مجمع جهانی اقتصاد منتشر می‌گردد، به بررسی علل و مشکلات رقابت در کسب و کار در کشورهای مختلف پرداخته می‌شود. در بررسی گزارش سال ۲۰۱۱-۲۰۱۲، در عموم کشورهای عضو منطقه منا دسترسی به تأمین مالی یکی از مهم‌ترین مشکلات در کسب و کار توسط

پاسخ‌دهندگان اعلام گردیده است. نمودار نشان‌دهنده درصد اعلام عامل دسترسی به تأمین مالی به‌عنوان مشکل در انجام کسب و کار و همچنین رتبه این عامل در بین دیگر مشکلات است.



نمودار (۱). جایگاه دسترسی به تأمین مالی در عوامل مشکل‌زا برای انجام کسب و کار

(مجمع جهانی اقتصاد، ۲۰۱۱)

وضعیت دسترسی مالی در ایران

طبق گزارش دسترسی مالی بانک جهانی در سال ۲۰۱۰، ایران دارای سند راهبردی نظارت بر شمول مالی است و بانک مرکزی به‌عنوان نهاد ناظر در سه بخش نظارت بر مؤسسات خرد، ارتقای دسترسی صنایع خرد به مالی و ارتقای دسترسی در مناطق محروم نظارت می‌کند و برای انجام نظارت خود نیز واحدهای اختصاصی دارد (گزارش دسترسی مالی، بانک جهانی، ۲۰۱۰).

همچنین در جهت حقوق مصرف‌کننده در ایران قانون حمایت از مصرف‌کننده (مصوب ۲۰۰۹) شامل بانک‌ها و همچنین قانون بانکداری بدون ربا (مصوب ۱۹۸۳) که

حاوی بندی در مورد حمایت از حقوق مشتریان است وجود دارد (گزارش دسترسی مالی، بانک جهانی، ۲۰۱۰، ص ۹۲).

گزارش رقابت جهانی هر ساله توسط مجمع جهانی اقتصاد منتشر می‌گردد. در این گزارش جنبه‌های مختلف رقابت اقتصادی در کشورهای مختلف مورد بررسی قرار می‌گیرد.

در دو گزارش اخیر رقابت جهانی، ایران نیز بررسی شده است. در بررسی موانع رقابت در ایران دسترسی به تأمین مالی با ۱۹/۴ درصد مهم‌ترین علتی است که توسط پاسخ‌دهندگان عنوان شده است که این میزان نسبت به ۱۸/۳ درصد پاسخ‌ها در گزارش سال قبل افزایش نیز نشان می‌دهد (مجمع جهانی اقتصاد، ۲۰۱۱).

راه‌نشین در سال ۱۳۸۹ در تحقیق خود به بررسی تأثیر اجرای سیاست‌های اصل ۴۴ بر توسعه مالی در بازار سرمایه ایران پرداخته است. در این تحقیق برای زیربخش دسترسی مالی در بازار سرمایه با توجه به محدودیت داده‌های موجود سه شاخص تعداد ایستگاه‌های معاملاتی کارگزاران، تعداد سهامداران و تعداد معاملات مورد استفاده واقع شده است. روند تغییرات این شاخص‌ها در سال‌های ۸۰ الی ۸۸ برای ایجاد شاخص توسعه مالی در ایران بررسی گردید. در بین ۹ سال مورد بررسی سطح دسترسی مالی در بازار سرمایه از ۲/۹۱ در سال ۸۰ به ۷ در سال ۸۸ رسیده است که نشان‌دهنده یک روند به‌شدت صعودی در دسترسی مالی در بازار سرمایه ایران و تمام زیرشاخص‌های آن در طول دوره مورد بررسی می‌باشد (راه‌نشین، ۱۳۸۹).

بانک مرکزی در تحقیقی به بررسی سطح دسترسی خانوارها به خدمات مالی در مناطق شهری ایران پرداخته است. این تحقیق که در سال ۱۳۸۷ انجام شده، حوزه‌های بسیار گسترده‌ای از دسترسی مالی را از طریق مراجعه به مردم پوشش داده و اطلاعات بسیار خوبی در این زمینه در اختیار می‌گذارد (بانک مرکزی، ۱۳۸۹).

نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که ۵۶ درصد مردم علاقه‌ای به مفاهیم مالی نداشته و یا بی‌تفاوت می‌باشند و ۵۲ درصد نیز پیگیر مطالب راجع به مفاهیم مالی نیستند.

همچنین، جدول زیر نشان‌دهنده درصد افرادی است که با خدمات مالی مختلف آشنا بوده‌اند (در مورد آن خدمات شنیده‌اند و معنی آن‌ها را می‌دانند).

جدول ۳. میزان آشنایی مردم مناطق شهری ایران با مفاهیم مالی و بانکی (بانک مرکزی، ۱۳۸۹)

خدمات	درصد آشنایی	خدمات	درصد آشنایی
نرخ سود	٪۶۴	چک پول	٪۸۹
حساب قرض الحسنه پس انداز	٪۸۹	دستگاه خودپرداز (ATM)	٪۸۶
حساب سپرده جاری	٪۶۹	خرید اینترنتی	٪۳۰
حساب سپرده سرمایه گذاری	٪۶۲	بانکداری الکترونیک	٪۲۵
حساب ارزی	٪۱۹	تسهیلات تکلیفی	٪۵
نرخ ارز	٪۳۲	عقود اسلامی	٪۱۳
حواله	٪۶۰	اعتبارات اسنادی (LC)	٪۵
شبکه شتاب	٪۴۴	سوخت	٪۱۰۴
کارت بانکی	٪۷۷	کلر	٪۱۲
کارت اعتباری	٪۳۶	سفته	٪۷۹
پایانه های فروش الکترونیک (POS)	٪۲۹	بیمه	٪۹۲
تلفن بانک	٪۴۶	سهام	٪۷۳

نتایج این تحقیق نشان می دهد که ۹۵ درصد خانوارهای شهری ایران دارای حداقل یک حساب بانکی و ۶۹ درصد دارای حداقل یک کارت بانکی می باشند. این نسبت برای افراد به ترتیب برابر ۷۸ درصد و ۴۴ درصد می باشد.

مهم ترین دلایل نداشتن حساب بانکی توسط افراد به ترتیب ۶۴ درصد نداشتن پول کافی، ۲۹ درصد عدم احتیاج به حساب، ۱/۸ درصد نبود شرایط افتتاح حساب از جمله داشتن ضامن، ۱/۱ درصد نرخ سود کم و ۰/۲ درصد نیز مسائل شرعی عنوان شده است.

در سال ۱۳۸۷، ۸۹ درصد افراد دارای حساب بانکهای دولتی را به عنوان بانک اصلی خود معرفی کرده اند. این نسبت برای بانکهای خصوصی ۳/۶ درصد و مؤسسات مالی و اعتباری ۷/۵ درصد عنوان شده است.

افراد مورد تحقیق عنوان داشته اند که منابع مالی خود را بدین صورت در امور مختلف تخصیص می دهند که ۴۰ درصد را جهت مصرف خود و دیگران (همچون

پرداخت بدهی، خرید، مسافرت و غیره)، ۱۲/۲ درصد را جهت پس انداز در بانک‌ها و مؤسسات مالی و ۴۳ درصد را جهت سرمایه‌گذاری‌های مختلف (همچون توسعه تجارت، خرید طلا، ملک و اوراق بهادار) استفاده می‌کنند. همچنین ۶۴ درصد افراد و ۴۴ درصد خانوارها اعلام داشته‌اند که هیچ پس‌اندازی ندارند.

همچنین در مورد استفاده از تسهیلات بانکی ۷۱ درصد خانوارها اعلام کرده‌اند که تاکنون از وام استفاده ننموده‌اند. در علل عدم درخواست تسهیلات ۵۲ درصد عدم نیاز، ۸ درصد افراد سود بالا، ۱۸ درصد نداشتن ضامن یا وثیقه لازم و ۱۱ درصد تشریفات اداری و زمان زیاد برای دریافت وام را عنوان کرده‌اند؛ درحالی‌که در بین افرادی که درخواست تسهیلات داشته‌اند نیز ۴۹ درصد به دلیل نبود اعتبار لازم در بانک‌ها، ۱۷ درصد به دلیل نداشتن ضامن یا وثیقه و ۲۳ درصد به دلیل نداشتن شرایط لازم موفق به دریافت وام نشده‌اند.

حداقل یک عضو ۳۵ درصد خانوارها و ۲۰ درصد افراد عضو صندوق‌های قرض‌الحسنه می‌باشند. این صندوق‌ها ۱۲ درصد دارای مجوز بانک مرکزی، ۳۶ درصد فامیلی، ۳۰ درصد محلی و ۲۱ درصد متعلق به محل کار افراد بوده‌اند. همچنین ۶۰ درصد این صندوق‌ها بیش از ۵۰ عضو داشته‌اند (بانک مرکزی، ۱۳۸۹).

۳. شاخص‌های ترکیبی

۳-۱. تعریف شاخص‌های ترکیبی

شاخص‌های ترکیبی^{۱۳} (CI) که عملکرد کشور را مقایسه می‌کنند به صورت فزاینده‌ای به عنوان یک ابزار مفید در تحلیل سیاست‌ها و ارتباطات عمومی شناخته می‌شود. تعداد شاخص‌های ترکیبی موجود در جهان هر ساله در حال افزایش است (در یک تحقیق اخیر توسط باندورا (۲۰۰۶) بیش از ۱۶۰ شاخص ترکیبی ذکر شده است). این چنین شاخص‌هایی مقایسه ساده‌ای از کشورها را فراهم می‌کنند که می‌تواند موضوعات پیچیده‌ای را در بخش‌های مختلف همچون محیط زیست، اقتصاد، جامعه یا توسعه فناوری به تصویر بکشند (سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه، ۲۰۰۸، ص ۱۳).

در معنای عام، یک شاخص ترکیبی یک مقیاس کیفی یا کمی مشتق شده از یک مجموعه از واقعیت‌های مشاهده شده است که می‌تواند وضعیت‌های مرتبط (به عنوان مثال از یک کشور) را در یک محدوده داده‌شده آشکار کند. هنگامی که آن در یک دوره متناوب محاسبه شود، می‌تواند جهت تغییر در واحدهای مختلف و در طول زمان را نشان دهد. برای تحلیل سیاست‌ها، شاخص‌ها برای شناخت روندها و ایجاد تمرکز بر موضوعات خاص مورد استفاده است. آن‌ها همچنین می‌توانند در تعیین اولویت‌های سیاستی و یا نظارت بر عملکرد به کار می‌روند.

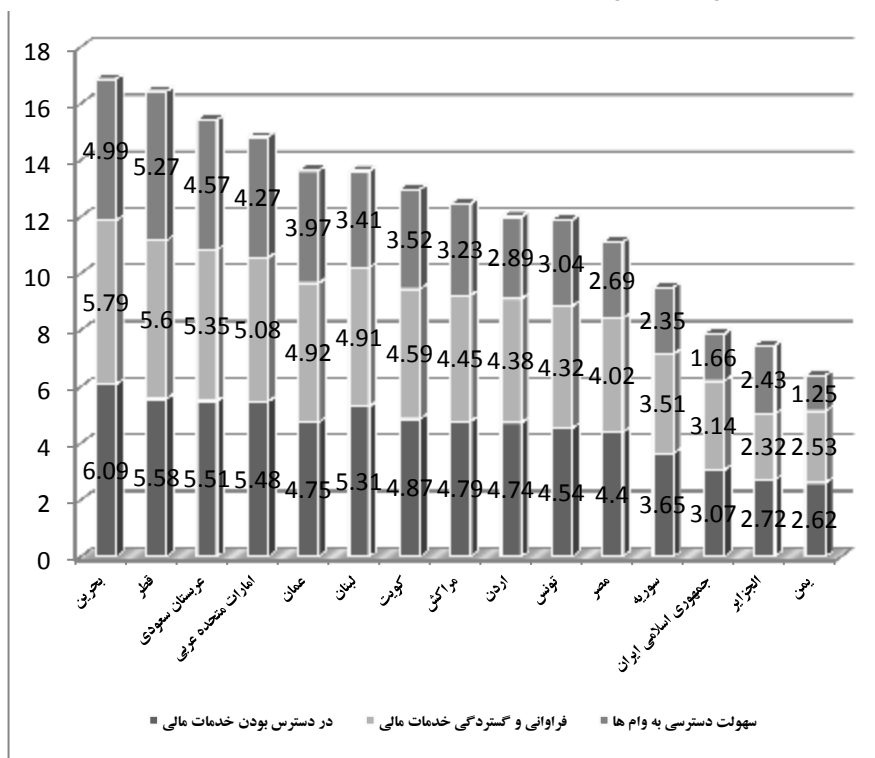
یک شاخص ترکیبی بر پایه یک مدل با ترکیب شاخص‌های تکی در قالب یک شاخص واحد شکل می‌گیرد. شاخص ترکیبی بایستی به صورت ایدئال مفاهیم چندبعدی را اندازه بگیرد که توسط یک شاخص واحد قابل سنجش و ارزیابی نیست. به عنوان مثال، مفاهیمی همچون رقابت، صنعتی شدن، پایداری، یکپارچگی بازار واحد یا جامعه دانش پایه.

۲-۳. طراحی و محاسبه شاخص ترکیبی

در شاخص توسعه مالی جهانی منتشرشده در گزارش توسعه مالی جهانی، یکی از بخش‌های شاخص بخش دسترسی مالی است که دسترسی به سرمایه و خدمات مالی را می‌سنجد. این بخش خود به دو زیربخش دسترسی تجاری و دسترسی خرده‌فروشی تقسیم می‌گردد. دسترسی تجاری شامل سنجه‌هایی همچون دسترسی به سرمایه خطرپذیر، وام‌های تجاری و بازارهای دارایی محلی است. دسترسی خرده‌فروشی شامل سنجه‌هایی همچون نفوذ حساب‌های بانکی و دستگاه‌های خودپرداز و دسترسی به مالی خرد می‌گردد. این گزارش حاوی اطلاعات ایران نمی‌باشد (مجمع جهانی اقتصاد، ۲۰۱۰، صص ۹-۱۰).

در گزارش رقابت جهانی نیز بخشی از شاخص متعلق به توسعه بازارهای مالی است. در بین شاخص‌های مختلف این بخش سه شاخص در دسترس بودن خدمات مالی^۴، فراوانی و گستردگی خدمات مالی^۵ و سهولت دسترسی به وام^۶ با موضوع

دسترسی مالی مرتبط هستند. نمودار ۲ سطح این سه شاخص را به صورت ترکیبی در کشورهای توسعه مالی نشان می دهد.



نمودار (۲). شاخص های سه گانه دسترسی مالی در منطقه منا بر اساس اطلاعات گزارش رقابت جهانی (مجمع جهانی اقتصاد، ۲۰۱۱)

در گزارش دسترسی مالی منتشره در سال ۲۰۱۰ توسط صندوق بین المللی پول، اطلاعات دسترسی مالی ۱۲ کشور منطقه منا ذکر گردیده است. در این گزارش اطلاعات دسترسی مالی کشورها در چهار بخش کلی بدون ایجاد یک شاخص ترکیبی مقایسه ای برای کشورهای جهان به شرح زیر دسته بندی شده است:

✓ پس اندازها و اعتبارات^{۱۷}

✓ تنظیم مقررات^{۱۸}

✓ دسترسی فیزیکی^{۱۹}

✓ تامین مالی کسب و کارهای کوچک^{۲۰}

در گزارش برای هر بخش شاخص‌هایی معرفی شده است. برای محاسبه شاخص دسترسی بانکی به انتخاب این شاخص‌ها بر اساس محدودیت‌های اهمیت و وجود داده‌های ایران برای آن شاخص اقدام می‌کنیم. بزرگ‌ترین محدودیت در انتخاب شاخص‌های به‌کاررفته وجود داده‌های آن شاخص می‌باشد که حتی در تهیه گزارشات جهانی به‌عنوان یک محدودیت بزرگ اشاره می‌گردد. بسیاری از شاخص‌ها در کشورهای مختلف دارای اطلاعات دقیق و بروز نمی‌باشند و از این‌رو، طراحی هر شاخص ترکیبی متأثر از این محدودیت می‌باشد.

جدول ۴. شاخص‌های منتخب برای محاسبه شاخص ترکیبی دسترسی بانکی

کشور	پس انداز و اعتبارات (%)		تنظیم مقررات (%)	دسترسی فیزیکی (%)			تامین مالی SME (%)
	سپرده های بانکی (%)	تسهیلات بانکی (%)		شمول مالی ^۲	دستگاه‌های خودپرداز (ATM) (%)	پایانه های فروشگاهی (POS) (%)	
الجزایر	۳۶.۰۵	۲۳.۵۷	۰.۲۹	۵.۷۵	...	۵.۳	..
ایران	۵۲.۶۵	۴۴.۵۳	۰.۵۷	۲۹.۷۹	۲۰,۲۸۰.۷	۲۹.۱۵	۵.۹۴
فلسطین اشغالی	۱۰۲.۳۸	۸۱.۹۴	۰.۲۹	۱۰۴.۳۳	...	۱۹.۸۵	..
اردن	۱۴۲.۸۵	۹۲.۸۷	۰.۱۴	۳۶.۳۷	...	۱۷.۷۹	۱۰.۱۸
کویت	۵۲.۰۳	۵۲.۳۷	۰.۳۹	۵۳.۴۲	۱,۰۴۰.۱۴	۱۶.۴۷	..
لبنان	۳۳۸.۴۹	۹۳.۳۸	...	۳۹.۳۲	۱,۳۸۲.۷۷	۳۸.۸۳	..
مراکش	۵۳.۰۸	۵۱.۳۱	۰.۷۱	۱۸.۶۳	۸۹.۹۳	۹.۹۲	۱۰.۳۹
عمان	۴۳.۷	۴۷.۳۸	۰.۸۶	۴۵.۹۱	...	۲۳.۶۱	..
سوریه	۴۳.۸۸	۳۹.۷۹	۰.۸۶	۲.۶۷	۳.۲۲	۲.۴۲	..
تونس	۵۸.۵۸	۵۹.۰۸	۰.۴۳	۱۷.۳۶	۱۲۱.۶۵	۱۴.۴	..
امارات متحده عربی	۹۹.۳۷	...	۳۰.۸۵	..
یمن	۲۴.۹۶	۷.۶۳	...	۲.۸۴	۱۶.۹۸	۱.۸	..

این شاخص‌ها جهت محاسبه شاخص دسترسی بانکی از طریق فرمول زیر (بر پایه داده‌های جهانی به‌عنوان کمترین، بیشترین و گستره شاخص) نرمال گردیده است.

$$n_{j,c} = \frac{r_{j,c} - \text{MIN}(r_{j,w})}{\text{MAX}(r_{j,w}) - \text{MIN}(r_{j,w})}$$

که در این فرمول داریم:

$$n_{j,C} = \text{داده نرمال شده کشور } C \text{ در شاخص } j$$

$$\text{کوچکترین داده کشورها در جهان در شاخص } j = \text{MIN}(r_{j,w})$$

$$\text{بزرگترین داده کشورها در جهان در شاخص } j = \text{MAX}(r_{j,w})$$

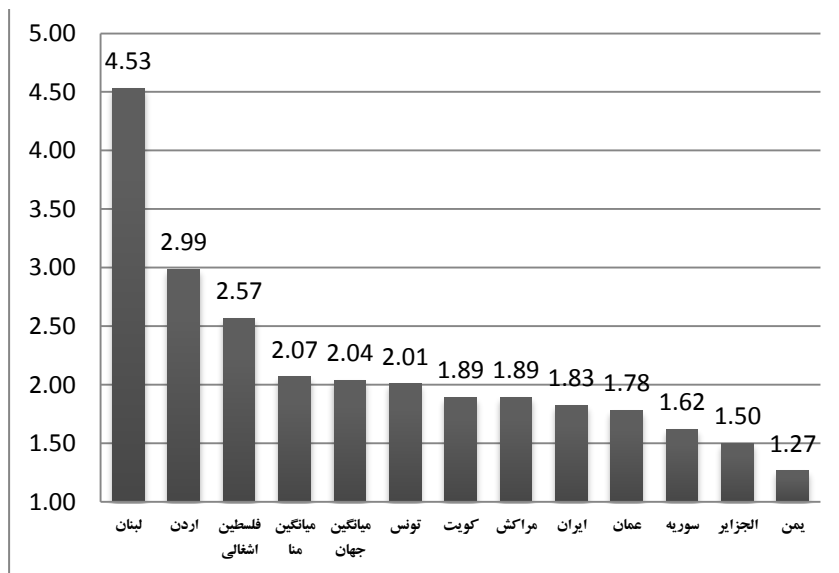
در نهایت نیز مقادیر بدست آمده از طریق فرمول ذیل به مقیاس طیف لیکرت (دامنه ۱ تا ۷) برده شده است.

$$c_{tj} = 6 * n_{tj} + 1$$

بدین روش داده‌های کشورهای عضو منطقه منا در طیف داده‌های جهانی مورد بررسی قرار می‌گیرند. بدین ترتیب مقدار شاخص برای کشورهای عضو منطقه منا قابلیت مقایسه با بالاترین مقدار شاخص در جهان (یعنی عدد ۷) را نیز پیدا می‌کند.

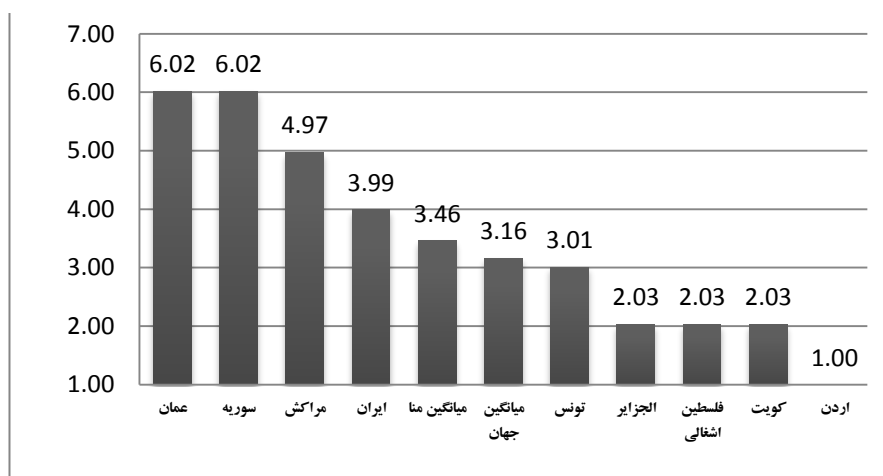
نتایج تحقیق

نمودارهای زیر، زیرشاخص‌های هر یک از بخش‌ها را به صورت مقایسه‌ای برای کشورهای عضو منطقه منا، ایران، میانگین منطقه منا و میانگین جهان نشان می‌دهند: در بخش پس‌اندازها و اعتبارات ایران دارای «میانگین سپرده و تسهیلات نسبت به GDP» کمتری در برابر میانگین کشورهای منطقه منا و همچنین جهان می‌باشد.



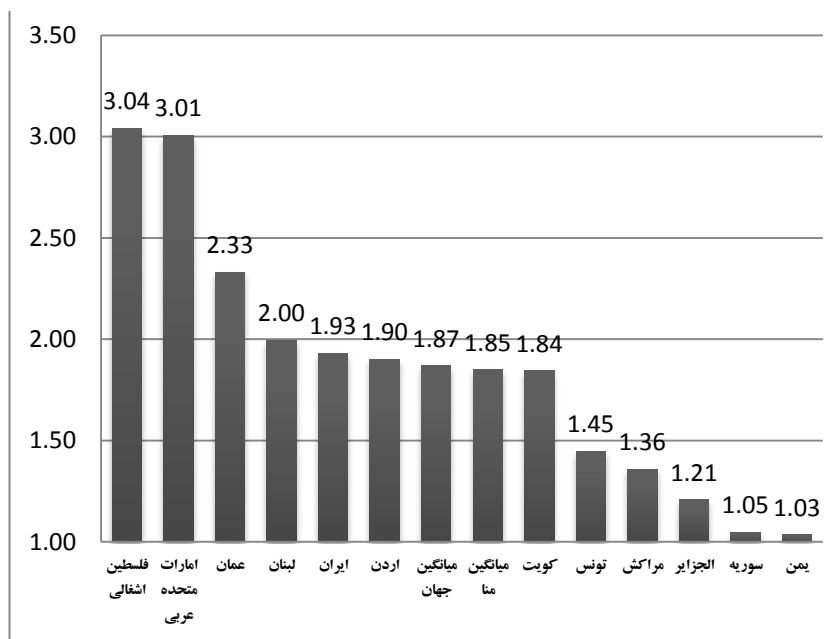
نمودار (۳). شاخص دسترسی بانکی بخش پس اندازها و اعتبارات

در بخش تنظیم مقررات بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران در برابر میانگین کشورهای منطقه منا و همچنین جهان به نسبت حوزه بیشتری از نظارت را بر عهده دارد.



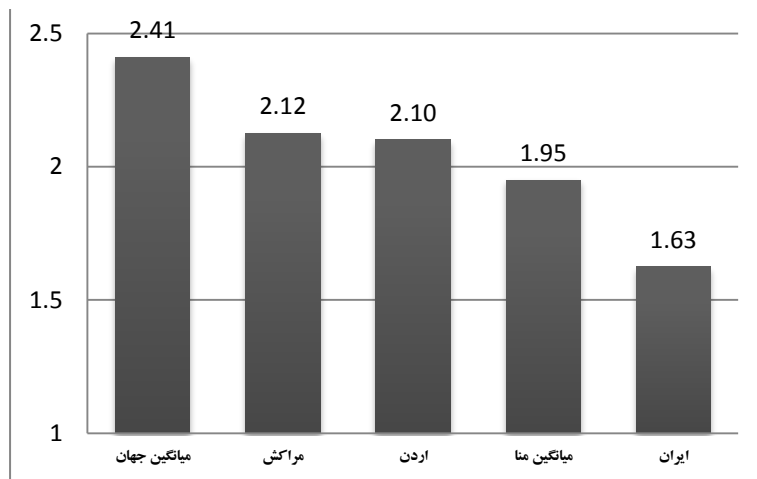
نمودار (۴). شاخص دسترسی بانکی بخش تنظیم مقررات

در بخش دسترسی فیزیکی که شامل شاخص‌های تعداد ATMها، POSها، و شعب بانکی به صد هزار نفر شهروند بالغ می‌باشد، ایران توانسته رتبه بالاتری نسبت به میانگین کشورهای منطقه منا و همچنین جهان دست یابد.



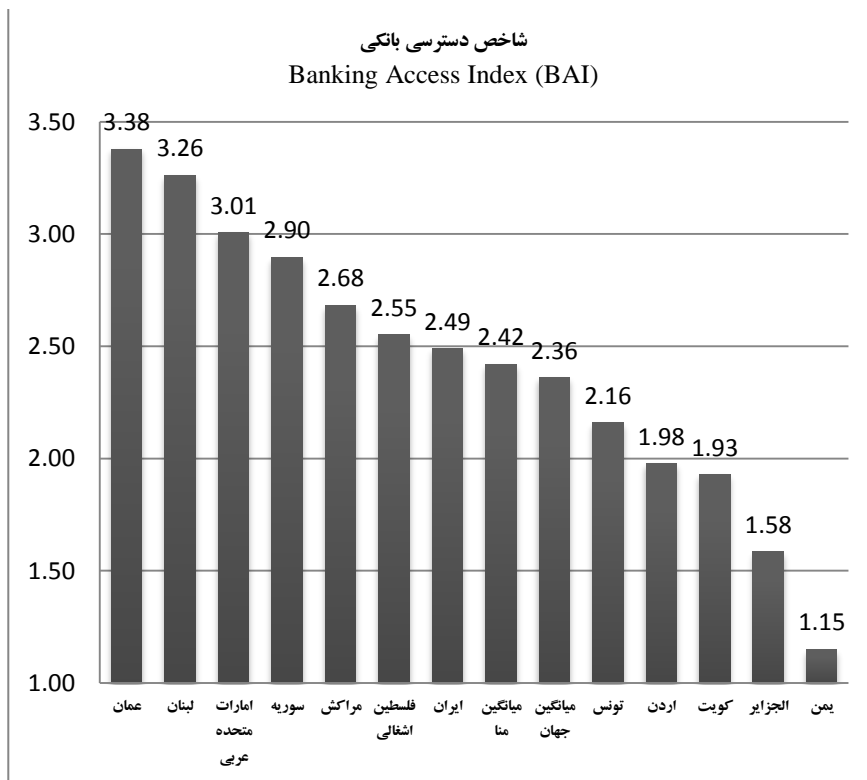
نمودار (۵). شاخص دسترسی بانکی بخش دسترسی فیزیکی

در بخش حمایت و تأمین مالی کسب و کارهای کوچک ایران رتبه پایین‌تری نسبت به میانگین جهانی و همچنین دو کشور دیگر دارای داده در منطقه منا کسب کرده است.



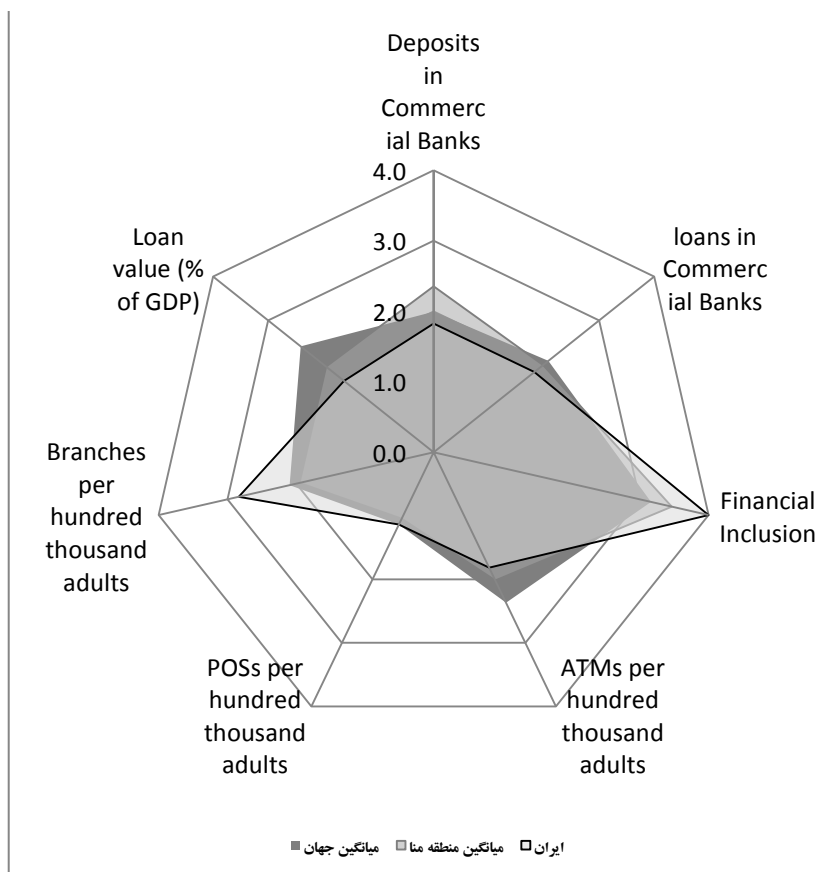
نمودار ۶. شاخص دسترسی بانکی بخش تأمین مالی SMEها

در نهایت نمودار زیر نشان‌دهنده شاخص جامع ترکیبی دسترسی بانکی برای کشورهای منطقه مناست. در این نمودار ایران توانسته رتبه بالاتری نسبت به میانگین جهانی و همچنین میانگین کشورهای منطقه منا کسب نماید. در بین دوازده کشور از منطقه منا که دارای داده‌های موجود برای محاسبه شاخص بودند ایران توانسته رتبه هفتم را در منطقه کسب نماید.



نمودار (۷). شاخص ترکیبی دسترسی بانکی در کشورهای منطقه منا

نمودار زیر نتایج هر یک از شاخص‌های مورد استفاده در محاسبه شاخص ترکیبی را به صورت جداگانه و قابلیت مقایسه برای ایران، میانگین منطقه منا و میانگین جهان نشان می‌دهد. این نمودار نشان دهنده این مسئله است که به نسبت میانگین جهان و منطقه، ایران در حوزه‌های سپرده‌ها و تسهیلات بانکی و تسهیلات به کسب و کارهای کوچک و همچنین تعداد دستگاه‌های خود پرداز دارای ضعف می‌باشد. اما در حوزه تنظیم مقررات و شمول نظارت نهاد ناظر بانکی و همچنین تعداد شعب بانکی نسبت به میانگین جهان و منطقه برتری دارد. همچنین ایران تقریباً به نسبت میانگین جهان و منطقه از پایانه‌های فروشگاهی بهره‌مند می‌باشد.



نمودار (۸). شاخص‌های دسترسی بانکی مقایسه ایران، جهان و کشورهای منطقه منا

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

نتایج حاصل از این تحقیق نشان‌دهنده وضعیت متوسط ایران در بسیاری از شاخص‌های دسترسی بانکی است. همچنین منطقه منا نیز خود دارای متوسطی بالاتر نسبت به جهان در بسیاری از شاخص‌ها و همچنین شاخص ترکیبی محاسبه شده دارد. این نشان از وضعیت مناسب اغلب کشورهای منطقه منا (بجز کشورهایی همچون یمن) در دسترسی بانکی است.

بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران در جهت ارتقای سطح دسترسی بانکی بایستی به گسترش حوزه نظارت خود توجه نماید. توجه بیشتر به حقوق مشتریان، قابلیت و افزایش تنوع ابزارهای بانکی و همچنین افزایش سطح سپرده‌ها و فرهنگ پس‌انداز از حوزه‌های اصلی مورد نیاز در نظارت بانک مرکزی است. در زمینه سطح سپرده‌ها و تسهیلات نیز به نظر می‌رسد تعدیل نرخ سود علی‌الحساب بانکی در جهت جذب بیشتر سپرده‌ها کارساز باشد. در زمینه دسترسی فیزیکی علی‌رغم حضور گسترده شعب بانکی در سطح کشور، گسترش ابزارهای نوین همچنین بانکداری الکترونیک و بانکداری همراه می‌تواند منجر به رشد دسترسی مردم به خدمات بانکی گردد. در نهایت در بخش حمایت از کسب و کارهای کوچک نیز ارائه تسهیلات به این بنگاه‌ها و همچنین توجه به توسعه و نظارت بر بانکداری خرد بایستی مورد توجه قرار گیرد.

طراحی شاخص دسترسی بانکی می‌تواند به مدیران صنعت بانکداری و بانک مرکزی تصویر واضحی از وضعیت خدمات بانکی و الزامات سیاستی ارائه نماید. به نظر می‌رسد ارتقا و بازطراحی شاخص محاسبه شده و همچنین به کارگیری شاخص‌های بومی بر اساس اطلاعات داخلی و بروز توسط نهاد ناظر بانکداری کشور بتواند به این مهم کمک شایانی نماید.

یادداشت‌ها

1. Financial Access

2. Banking Access

۳. در این تحقیق با توجه به محدودیت داده‌های تحقیق در شاخص‌های دسترسی مالی (به صورت اعم یعنی بانک، بیمه و بازار سرمایه) در کشورهای منطقه منا، موضوع تحقیق به بررسی دسترسی بانکی در این کشورها محدود شده است؛ با این‌همه در جهت تعریف جامع‌تر از موضوع، ادبیات دسترسی مالی ارائه شده است، هرچند که تحقیقات موجود نیز اکثراً دسترسی مالی را در دسترسی بانکی محدود دیده‌اند.

4. Unbanked or Underbanked

5. Access Frontier

6. Financial Literacy

7. Financial Deepness

8. Microfinance

9. Financial Exclusion
10. Consultative Group to Assist the Poor
11. World Economic Forum
12. Middle East and North Africa
13. Composite Indicators
14. Availability of Financial Services
15. Affordability of Financial Services
16. Ease of Access to Loans
17. Savings & Credits
18. Regulation
19. Physical Outreach
20. SME Financing

کتابنامه

- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۹)، «نتایج بررسی دسترسی خانوارها به خدمات مالی در مناطق شهری ایران سال ۱۳۸۷»، آبان.
- راه‌نشین، علی (۱۳۸۹)، «بررسی تأثیر اجرای سیاست‌های اصل ۴۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بر توسعه مالی با تأکید بر بازار سرمایه»، بورس اوراق بهادار، شماره ۱۲.
- Beck, Thorsten. Kunt, Asli. and Patrick, Honohan (2009), "Access to Financial Services: Measurement, Impact, and Policies", World Bank.
- Chaia, Alberto, Aparna Dalal, Tony Goland, Maria Jose Gonzalez, Jonathan Morduch and Robert Schiff (2010), "Half the World is Unbanked".
- Demirgüç-Kunt, A., Beck, T., & Honohan, P. (2008), *Finance for All?: Policies and Pitfalls in Expanding Access*. Washington, D.C.: The World Bank. Retrieved March 21, 2008
- Kendall, J. Mylenko, N. Ponce, A. (2010), *Measuring Financial Access around the World*. World Bank.
- Honohan, P. (2007), "Cross- Country Variation in Household Access to Financial Service ", World Bank conference on Access to Finance
- World Bank (2005). Indicators of Financial Access Household - Level Surveys
- Claessens, S. (2005), "Access to Financial Services: A Review of the Issues and Public Policy Objectives", World Bank.
- Porteous, D. (2005, May 26). *The Access Frontier as an Approach and Tool in Making Markets Work for the Poor*. Somerville, MA: Bankable Frontier Associates. Retrieved May 28, 2008
- World Bank (2008). Finance for all? Police and Pitfalls Inexpanding Access. World Bank.
- World Bank. Financial Access 2010 Report (2010). CGAP, World Bank.
- World Bank. Financial Access 2010 - Middle East and North Africa Factsheet (2010). CGAP, World Bank.

World Economic Forum, (2011) The Global Competitiveness Report 2011–2012.

World Economic Forum, The Financial Development Report 2010, 2010.

Nardo, M. et al. (2005), “Handbook on Constructing Composite Indicators: Methodology and User Guide,” OECD Statistics Working Papers, 2005/3, OECD Publishing.

8 Abstracts

Islamic Finance Researches, Vol. 2, No.1, (Serial 3) Autumn 2012 & Winter 2013

Banking Access and Comparison between Iran and MENA Region Countries through Composite Index

*Ali Rahneshin**

Received: 10/03/2012

Accepted: 25/11/2012

Banking Access is a broad concept that examines issues such as physical availability of banking services for people and businesses, terms and conditions and ease of access to these services, diversity of services and financial regulatory scope. In this paper, based on global data and indicators, we survey the status of countries in the Middle East and North Africa in terms of various Banking Development indicators. At the end, we design and calculate a composite index to rank and compare their banking access. The results indicate an acceptable and medium situation of Iran among MENA countries and above the average position of MENA countries in the world.

Keywords: Financial Access, Banking Access, Financial Development, MENA Region, Composite Index

JEL Classification: G21, O53, O55

* Ph.D. Student of Financial Management, Imam Sadiq University, rahneshin@isu.ac.ir